

پیشخان

نشریه سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران • شماره ۲ • اردیبهشت ۱۴۰۴

روایت‌هایی از چرایی و اهمیت
خواندن و نوشتن برای ایران
فراخوانی برای خواندن

ایران



توسعه اجتماعی در گرو تولید و مصرف کتاب خوب است

در افتتاحیه
سی و ششمین نمایشگاه کتاب
مطرح شد؛



زندگی، قرار بگیرد در نقطه‌ای که بیشترین اثر را داشته باشد. کتاب، بدون شک عمق راهبردی در فرهنگ اسلامی و ایرانی دارد که باید به آن توجه کنیم. وی با بیان اینکه در ۱۷ سال اخیر، نامگذاری‌های مقام معظم رهبری تأکید بر اقتصاد بوده است که موضوع مهم جامعه است افزود: اما یادمان نرود که مقام معظم رهبری در کنار آن از فرهنگ هم یاد کردند و متذکر شدند، اولویت اقتصاد است اما مهمترین شاخص رشد فرهنگ است. این وصف متوجه من در جایگاه حقوقی به عنوان خدمتگزار و نماینده مردم است که شاخص برای رشد، فرهنگ است که باید به آن توجه شود. وی با تأکید بر جایگاه فرهنگ در پیشرفت کشور ادامه داد: شاخص اصلی پیشرفت کشور، فرهنگ است. امروز اقتصاد، از ناترازی انرژی در سوخت، برق و آب رنج می‌برد و این حوزه، نیازمند فرهنگ است. در ادامه محسن جوادی، رئیس نمایشگاه کتاب ۱۴۰۴ تهران در سخنانی با بیان اینکه نمایشگاه کتاب نه فقط ویرترین صنعت نشر بلکه آینه افق‌های بین‌المللی است، گفت: ۱۵۰۰ ناشر از تهران و ۸۰۰ ناشر از شهرستان‌ها در این دوره نمایشگاه حضور دارند، که به عرضه ۲۷۰ هزار عنوان کتاب می‌پردازند. از میان این ۳۷۰ هزار عنوان، ۶۵ هزار عنوان چاپ سال ۱۴۰۳ است که این رقم نشان‌دهنده حیات پرتحرک نشر ایران است.

دارد و هم جان، جان تمدن‌ها به حوزه کتاب وابسته است. باید باور داشته باشیم، جامعه جز با کتاب، قدرت ماندگاری پیدا نمی‌کند. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با طرح این موضوع که دغدغه کتاب، دغدغه توسعه اجتماعی است، گفت: اگر می‌خواهیم توسعه اجتماعی رخ دهد، احتیاج به تولید و مصرف کتاب خوب داریم؛ معتقدم نمایشگاه فرصتی برای پرداختن به این دغدغه است. وی همچنین بیان کرد: نمایشگاه کتاب ایران یک باشگاه بزرگ اجتماعی است؛ نیاز داریم که باشگاه‌های موجود را حفظ کرده و باشگاه‌های جدیدی خلق کنیم. ایران امروز نیاز به همگرایی و همراهی دارد، هرچه بیشتر این همگرایی را نشان دهیم، راه ایران را هموارتر کرده‌ایم. اگر توسعه ایران را می‌خواهیم باید به کتاب بیشتر فکر و در راه توسعه این فرهنگ در ایران بیشتر تلاش کنیم. در ادامه این آیین محمدباقر قالیباف ضمن تشکر از دست‌اندرکاران برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران عنوان کرد: بحث کتاب و کتابخوانی ارتباط مستقیم با بحث تربیت دارد و یکی از مسئولیت‌های مهم، بحث تربیت و اندیشه‌ورزی است؛ خصوصاً در نظام اسلامی. کتاب و کتابخوانی عصاره و معرف بشریت است. کتاب و کتابخوانی انسان را در نقطه‌ای قرار می‌دهد که بتواند در موضع صحیح

آیین افتتاح سی و ششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران با حضور، محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزیر فرهنگ عراق افتتاح شد. سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در آیین افتتاحیه نمایشگاه کتاب ۱۴۰۴ تهران گفت: درباره جایگاه کتاب صحبت‌های زیادی شده است اما بهترین سخن را رهبر انقلاب فرموده‌اند، همان جا که می‌فرمایند: «کتاب مبدا و عصاره تمدن‌سازی است» این جمله بهترین تعریف از کتاب است. اگر به تمدن‌های بشری نگاه کنیم، این موضوع به خوبی نمایان است. وی ادامه داد: تمدن یونان، تمدن چین، تمدن هند و... همه بر بستر کتاب حرکت کرده و جلو آمده است و نظایر آن را می‌توان در آثار و کتاب‌های هر یک از این تمدن‌ها مشاهده کرد. صالحی با بیان اینکه درباره تمدن ایران پس از اسلام هم همین است، ادامه داد: اگر شاهنامه خلق نمی‌شد، بین ایران پیش از اسلام و ایران پس از اسلام نیز پیوند برقرار نمی‌شد و ما درگیر بین ایران پیش از اسلام و ایران پس از اسلام بودیم. شاهنامه این قدرت را داد تا ایرانیان هم به تاریخ قبل از خود اقتدا کنند و هم به تاریخ ایران پس از اسلام و ما درگیر و دار اختلاف بین ایران قبل از اسلام و پس از اسلام نیفتیم. صالحی افزود: تمدن هم کالبد

غرفه «عراق» کشور مهمان ویژه نمایشگاه افتتاح شد

با حضور وزرای
فرهنگ ایران و عراق؛



غرفه کشور عراق مهمان ویژه سی و ششمین دوره نمایشگاه کتاب تهران با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزیر فرهنگ و گردشگری عراق افتتاح شد. به نقل از خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، غرفه کشور عراق مهمان ویژه سی و ششمین دوره نمایشگاه کتاب تهران همزمان با نخستین روز نمایشگاه کتاب (چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت ماه) با حضور وزرای فرهنگ ایران و عراق افتتاح شد. در این مراسم که با حضور چهره‌های فرهنگی دو کشور، غرفه اتحاد الناشرین العراقيين (اتحادیه ناشران عراق) و غرفه وزارت فرهنگ عراق افتتاح شد. کشور عراق در این دوره از نمایشگاه کتاب تهران ۳۰ ناشر در سی و ششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران شرکت کرده است. سی و ششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از امروز ۱۷ اردیبهشت ماه آغاز و تا ۲۷ اردیبهشت ماه به دو شکل حضوری در مصلی تهران و همزمان در فضای مجازی ادامه دارد.

بازدید وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از بخش بین الملل نمایشگاه کتاب

در دومین روز
نمایشگاه کتاب
انجام شد؛



بمباران فرودگاه صنعا مانع شد. کتاب‌های شما در قلب ایرانیان است، افتخار می‌کنیم به یمنی‌ها، که توانسته‌اند پلی بین مقاومت و فرهنگ ایجاد کنند. در پایان، خنجر و انگشتر عقیق یمنی به وزیر اهدا شد. در ادامه، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، از بخش بین الملل موسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) بازدید کرد. وی در این غرفه بیان کرد: انقلاب اسلامی ایران با نام امام دل‌ها، پیوند دارد، اوست که روح‌الله در زمانه گم‌گشتگی انسان معاصر بود و هنوز می‌تواند نفخه او جهانی را به حیات طویه رهنمون کند. بر ماست که همچنان پرچم او را بر افراشته داریم.

در پایان، با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در غرفه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، سه عنوان کتاب رونمایی شد.

نمایشگاه‌ها را فرصتی برای شناختن آثار مشترک معاصر دو کشور دانست و از حضور آن‌ها تشکر کرد. صالحی، به دیدار با سفیر قطر اشاره کرد و افزود: در این دیدار درباره حضور قطر در نمایشگاه کتاب صحبت کردیم. در ادامه این بازدید، کتاب «من عیون الفن القطری» به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی اهدا شد.

صالحی در ادامه در غرفه ترکیه حاضر شد. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره تأثیرات برگزاری نمایشگاه کتاب بر تعاملات فرهنگی، بیان کرد: نمایشگاه کتاب می‌تواند عرصه‌ای برای تقویت ارتباطات فرهنگی و ترجمه آثار مشترک باشد. در ادامه، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در غرفه کشور یمن حاضر شد. مسئول غرفه یمن در این بازدید، به صالحی گفت: دوست داشتیم کتاب‌های بیشتری به نمایشگاه بیاوریم اما

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، با حضور در بخش بین الملل نمایشگاه کتاب ۱۴۰۴ با ناشران حاضر در این رویداد گفت‌وگو کرد. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) دومین روز از سی‌وششمین دوره نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، همراه با محسن جوادی، سرپرست معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس سی‌وششمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران از بخش بین الملل نمایشگاه کتاب تهران بازدید کردند.

در بخش بین الملل نمایشگاه کتاب ۱۴۰۴ تهران، غرفه کشور مهمان ویژه برپا شده است؛ علاوه بر این غرفه ناشران روسیه، ازبکستان، قطر، جامایی شده‌اند.

در جریان این بازدید وی با حضور در غرفه روسیه،

فروش ناشران بخش مجازی از ۲۲۷ میلیارد ریال گذشت

نخستین آمار نمایشگاه کتاب ۱۴۰۴ اعلام شد

تاکنون ۴۰ هزار مرسوله پستی تا ساعت ۱۵ و ۳۰ تحویل شرکت ملی پست شده و حداکثر تا پنج روز آینده به دست خریداران می‌رسد. مجموع فروش بخش مجازی، ۲۲۷ میلیارد و ۸۵۰ میلیون و ۹۹۳ هزار و ۵۲۰ ریال است. وی درباره آمار ثبت نام مضمولان بن خرید کتاب، گفت: در مجموع، یک صد هزار و ۶۳۸ نفر از دانشجویان و طلاب، برای دریافت بن خرید کتاب ثبت نام کرده‌اند؛ علاوه بر این ۱۱ هزار و ۱۴۴ عضو هیئت علمی و استادان حوزه و ۳۷۰ سازمان برای بهره‌مندی از یارانه خرید کتاب سی‌وششمین دوره نمایشگاه کتاب تهران اقدام کرده‌اند. وی در بخش دوم نشست که به پرسش و پاسخ خبرنگاران اختصاص داشت، درباره مشکل جانمایی و عدم اطلاع‌رسانی محیطی در بخش‌های مختلف، گفت: امروز این موضوع را شخصاً رصد کردم و در جلسه ستاد اجرایی بررسی شد. قرار است تابلوهای راهنما مسیر یابی اطلاع‌رسانی شود.



سخنگوی نمایشگاه کتاب تهران، نخستین آمار فروش نمایشگاه کتاب تهران را اعلام کرد. نخستین نشست خبری سخنگوی سی‌وششمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، با حضور ابراهیم حیدری، سخنگو و قائم مقام این دوره از نمایشگاه برگزار شد. حیدری با اشاره به آمار و ارقام سی‌وششمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، گفت: ضعف‌هایی در حوزه اجرا بوده بنابراین از ناشران و بازدیدکنندگان عذرخواهی می‌کنم. تلاش می‌کنیم تا پایان وقت امروز، به حد توان وضعیت را مطلوب کنیم. وی افزود: امسال بخش‌های اجرایی نمایشگاه به شکل‌ها و انجمن‌های حوزه نشر واگذار شده؛ بنابراین در این بخش، توجه ما بیشتر به نظارت، هدایت و حمایت این حوزه معطوف شده است. قائم مقام نمایشگاه کتاب تهران، با اشاره به خالی بودن برخی غرفه‌ها گفت: غرفه‌ها مربوط به برخی ناشران شهرستانی است و برخی هم که نتوانستند به دلایل مختلف در نمایشگاه حاضر شوند را جایگزین کردیم. حیدری درباره برخی آمارها تا لحظه برگزاری نشست خبری بیان کرد:

نوشتن به مثابه شنیدن: فراخوانی برای خواندن ایران

روایت مقصود فراستخواه
از چرایی و اهمیت
خواندن و نوشتن برای ایران

در روزگاری که صدای نویسنده‌ها بلندتر از صدای خواننده‌ها شده، شاید مهم‌ترین وظیفه ما بازگشت به «شنیدن» و «خواندن» باشد؛ عملی که می‌تواند مقدمه‌ای برای نوشتن متفاد، گفت‌وگویی میان ذهنی و کنشی برای ساختن آینده‌ای پایدار باشد. در نمایشگاه کتاب تهران، فرصتی دست داد تا با دکتر مقصود فراستخواه، جامعه‌شناس، درباره «خواندن و نوشتن برای ایران» گفت‌وگو کنیم. گفت‌وگویی که فراتر از توصیه‌هایی برای نوشتن، دعوتی است برای درک ژرف‌تر ایران، بازنمایی در معنا و هدف نوشتن و تأملی بر جایگاه خواندن در جامعه امروز.

شعار امسال نمایشگاه کتاب، «بخوانیم برای ایران» است. برای خلق هر نوشته‌ای که ناظر به مساله ایران باشد، خواندن پیش‌زمینه است. نظر شما در این باره چیست؟

برای ایران قبل از نوشتن باید بخوانیم. اهمیت عمل خواندن کمتر از عمل نوشتن نیست. میلان کوندرا در کتاب «خنده و فراموشی» می‌گوید در اندرون هریک از ما یک خواننده هست و یک نویسنده. اما وای اگر فقط نویسنده فعال شود و سوزهای باشیم که بقیه را برای خودمان ایژه کنیم. درباره همه چیز بگوئیم و بنویسیم بدون اینکه بخوانیم. در این صورت است که عصر ناشنوایی جهانی فرا می‌رسد. وقتی که من مدام می‌خواهم بنویسم و نویسنده درونی‌ام را فعال کرده‌ام و همه چیز را ایژه خودم می‌کنم در این صورت ایدئولوژی‌ها شکل می‌گیرد که دعوی انسجام دارد و صدایش بلند است. صدای من نویسنده بلند است و مدام همه را به نوشته‌هایم ارجاع می‌دهم. من یک سوپراگوی بزرگی هستم که همه چیز را به خودم ارجاع می‌دهم. پس بیش از اینکه نویسنده باشیم باید خواننده و شنونده هم باشیم سخن‌ها را بخوانیم و بشنویم. یعنی گوش دادن به دیگری یعنی حضور در فضای میان ذهنی، یعنی وارد شدن به حوزه عمومی و گوش دادن به دیدگاه‌های مختلف. گوش دادن و بهره گرفتن از افق‌ها و دیدگاه‌های متکثر. در نتیجه ایران هم نیاز به نوشتن دارد و هم خواندن. این یک فضای میان‌ذهنی فضای عمومی آگاهی ایجاد می‌کند. ما را آماده عمل گفت‌وگو می‌کند. گفت‌وگوهایی که چندذهنی و میان‌ذهنی است. ایران به قدری بزرگ است، به قدری مسائلش تاریخی و چندعاملی و پیچیده است که اگر هرکدام از ما فقط نویسنده شویم و صدای مان بلند شود. ایران در یک فضای میان‌ذهنی شناسایی نمی‌شود در صورتی که بسیاری از حقیقت در چهره دیگری است. عمل گوش دادن، ما را به دیدگاه‌ها و منظرهای مختلف و متفاوت و مخالف و انتقادی معطوف می‌کند. در نتیجه اولین نکته این است که باید بخوانیم. توجه کنید که مقدار دقایق مطالعه در هر شبانه روز بسیار کمتر از خیلی کشورهای دیگر است.

شما در کتاب اخلاق در ایران، از قول لویناس می‌گویید: اخلاق شنیدن دیگری است. این نوع خواندن که گفتید به مشاهده، تجربه و بسیار وسیع‌تر از خواندن صرف مطلب یا کتاب می‌دانید.

شنیدن دردها، رنج‌ها، مصائب مردم. این یعنی بازبودگی، گشودگی، حساس بودن و مواجهه با این تلخ‌کامی‌ها، این‌ها فقط با عمل نوشتن انجام نمی‌شود. عمل خواندن هم لازم است. خواندن ما را به سطح استماع دیگری، دیدن دیگری، شنیدن دیگری و شنیدن یک فضای عمومی گفت‌وگویی، همه‌های جمعی و حتی شنیدن نخواستهای پنهان کسانی که نه رویت‌پذیرند و نه صدایی برای گفتن دارند. شنیدن این‌ها و شنیدن دردهای خاموش و فرسایش‌های بی‌صدایی که مظلومانه در این سرزمین هست، اینها را دیدن. ما به دموکراتیزاسیون و آزادسازی عمل معرفت نیاز داریم از اینکه از سطح سوزهای بزرگ، سوزهای فردی فراتر برود و هم‌سوزگی، هم‌فهمی، هم‌سخنی، هم‌ذهنی توسعه پیدا کند. مسائل ایران به قدری پیچیده و عمیق‌اند که با یک سوز فردی نویسنده برگزار نمی‌شود و از درون آنها یک نوع آگاهی‌های کاذب بوجود می‌آید که خیلی نمی‌توانند مسائل ایران را بازتابی کنند. اما برگردیم به نوشتن، نوشتن نه به مثابه یک سوز فردی اثبات‌گرا با دعاوی بسیار بزرگ، بلکه نوشتن و خواندن فعال. تلاش و تقلا برای فهم مسائل ایران، برای ارتباط با دیگران، من با خواننده‌های ایرانی، با یک آگاهی جمعی، با یک سپهر عمومی معرفت ارتباط بگیرم. این یعنی نوشتن. در اینجا اولین چیزی که تأکید می‌کنم آشنایی‌زدایی از ایران است. ایران آسان شده است، وقت آن رسیده است که ایران را دشوار کنیم. از نوشتن‌هایی که تولید کلیشه می‌کنند فاصله بگیریم و قدری از مسائل و دردهای ایران و آرزوهای فروخورده ایرانی و دردهای مزمن تاریخی ایران و زخم‌های کهنه ایران آشنایی‌زدایی کنیم. آن را دشوار کنیم و

ایران آسان شده است، وقت آن رسیده است که ایران را دشوار کنیم.
از نوشتن‌هایی که تولید کلیشه می‌کنند فاصله بگیریم و قدری از مسائل و دردهای ایران و آرزوهای فروخورده ایرانی و دردهای مزمن تاریخی ایران و زخم‌های کهنه ایران آشنایی‌زدایی کنیم

بگوئیم که چقدر پیچیده است. وقتی فراستخواه می‌نویسد باید توجه داشته باشد در معرض ساده کردن است. در حالی که باید امور را دشوار کنیم. تا بتوانیم توضیح دهیم که چقدر عوامل مختلف تودرتویی در شکل گرفتن این مسائل سهیم بوده‌اند و هستند.

وقتی می‌گوییم «نوشتن برای ایران»، دقیقاً برای چه کسی می‌نویسیم؟

به نظرم در هر بار نوشتن گروه‌های هدف مشخص را در نظر بگیریم. در هر مقاله یا کتاب یا هر نوشته، باید از خود پرسیم که گروه هدفم کیست؟ مخاطب خاص کیست؟ من نمی‌توانم چیزی برای همه بنویسم. نوشتن چیزی برای همه به مثابه نوشتن است. یا به تعبیری منشاء ایجاد یک نوع چهل مرکب و یک نوع مغالطه تازه است. معرفت‌های کاذب است. من باید در هر بار نوشتن تکلیفم را با مخاطب‌های خاص خود مشخص کنم که به طور خاص مخاطبم چه گروه اجتماعی است. به‌ویژه به این گروه‌های رؤیت نشده، گروه‌های حاشیه شده، گروه‌های کمتر دیده شده، گروه‌های دیگری شده توجه کرد. الان بحثی به نام علم شهروندی وجود دارد، با نوشتن به توسعه علم شهروندی کمک کنیم. نوشته من کمک کند که علم شهروندی توسعه پیدا کند.

استاد نوشتن برای ایران به معنای تغییر است یا خلق آنچه می‌تواند باشد؟

بدون شناخت آنچه هست نمی‌توانیم به شناخت آنچه باید روی بیاوریم. در نتیجه ما بیشتر به شناخت آنچه هست هم باید فکر کنیم. قابلیت‌ها و امکان‌هایمان را بدانیم. ما معمولاً فکر می‌کنیم همواره باید بریزیم و از ابتدا بسازیم. بله نوشتن برای تغییر است، اما نه این‌که همواره بسازیم و بعد بریزیم و بعد دوباره بسازیم، در این صورت توسعه ایران می‌ماند. ما باید به جای فروریختن و دوباره ساختن پی‌درپی و بی‌نتیجه و ائتلاف منابع کشور، به پایداری هم فکر کنیم و به رفع شکاف ملت و دولت. نوشتن برای تغییر است، اما نه اینکه متن‌های انقلابی و رادیکال بنویسیم برای فروریختن همه چیز و ساختن از نو پی‌درپی. نوشتن برای تغییر اما با نگاه عقلانی و با واقع‌گرایی انتقادی، با نقدهای درونمان. در نتیجه نوشتن‌های ما باید پایداری ایران را مد نظر قرار بدهد، نه ستیزه‌جویی‌ها و منازعه‌هایی که مدام بر سر اموری داریم



و در نتیجه مدام ناپایدار هستیم و مدام تکرار می‌شویم و مدام می‌خواهیم از نو آغاز کنیم و دستاوردهای خودمان را نمی‌توانیم، تثبیت کنیم. مدام به فکر روز از نو و روزی از نو هستیم. بنابراین باید بنویسیم برای پایداری ایران. آیا می‌شود بدون عشق به ایران نوشت؟

این خیلی مهم است. حسی تحیرآمیز و دردمدانه به ایران داشته باشیم. نبوغ بقایی که در این سرزمین هست را ارج بداریم. ما بدون دل‌بستگی به این آب و خاک خسته‌ای که تاریخی پر حادثه دارد و مسیر دشواری را پیموده است نمی‌توانیم مطلب جدی بنویسیم. چندین هزار سال است که این سرزمین به رغم گزند تمام حوادث باقی مانده است. این را عزیز بداریم و دوست بداریم، سرزمینی که با همه صعوبت تاریخی سخت، همچنان سعی کرده است که بماند. او را دوست داشته باشیم و در نوشته‌هایمان به دام نظریه عقب‌ماندگی، به دام شرق‌شناسی‌های کلیشه‌ای نیوفتیم و بدانیم که در این سرزمین زندگی هست و این زندگی را پاس بداریم و به احترام این زندگی برخیزیم و بنویسیم و بخوانیم. بنویسیم به احترام یک زندگی خسته که به رغم تمام مرارت‌ها و سختی‌هایش همچنان می‌خواهد باشد و زندگی کند. اما این نباید تبدیل به یک نوع خودشیفتگی ایرانی و دیدگاه نژادپرستانه و ایران‌پرستی بدل شود. میهن‌دوستی و میهن‌پرستی به معنای دل‌بستگی به یک آب و خاک خسته‌ای که همچنان تکاپوی زندگی دارد و همچنان آرزو و رویا دارد، باید به نام آن بنویسیم و آن را دوست داشته باشیم. اما کاستی‌های این مسیرمان را هم بشناسیم.

یکی از ایرادهایی که در نوشته‌های ما هست غفلت از نقد مردم است. ما از نقد خودمان، از نقد جامعه‌مان، از نقد مخاطبانمان، نباید غافل باشیم. ما در نوشته‌هایمان نقد مردم را هم باید داشته باشیم. مثلاً یک نویسنده باید جوری بنویسد که من خواننده را به تأمل وادارد و آگاهی کاذب به من ندهد. همچنین باید بررسی کنیم که این نفرت‌ها ریشه در کجای زندگی

دارند. باید این نفرت‌ها را به دوست داشتن تبدیل کنیم. چون از دل دوست داشتن‌ها دموکراسی درمی‌آید و نقد غیر از نفرت است.

آیا باید ایران را این‌طور برای خودمان بکنیم؟ یعنی این‌طور به ایران نگاه کنیم و نگاهی پوزیتیویستی به ایران داشته باشیم؟

به نظرم این روش اصلاً و ابداً نتیجه نمی‌دهد باید پدیدارشناسی و مردم‌شناسی و مطالعات موردی کرد. طی این سال‌ها سعی‌ام این بوده که از یک سوژه همه چیزدان برای پی‌جویی مسائل ایران پرهیز بکنم و به سوی خود زندگی ایران توجه کنم. ایران چیست؟ نه کلیشه‌هایی که در ذهن من است. خود تجربه‌های زیست در ایران را فهمیدن. خود تجربه‌های زندگی را همانطور که هست دیدن، بدون آنکه آنها را وارد کلیشه‌های معرفتی یا ایدئولوژی خودمان بکنیم. تا زندگی هست، مسئله هست و همیشه مشکلی وجود دارد که باید آن را مسئله کرد. حتی راه‌حل‌های ما نیز گاه مسئله می‌شوند. پس برای مسائل ایران باید صورت‌بندی درست منطقی فراهم بیاوریم. نوشتن برای ایران همیشه یک عمل ناتمام است. هیچ وقت نوشتن برای ایران به پایان نمی‌رسد. پایان نوشتن فراستخواه، آغازی است برای نوشتن خادم و دیگران. نوشتن‌های ما همیشه یک کران دارد. همیشه یک محدوده‌هایی دارد که دیگری باید آنها را نشان دهد و یک سویه دیگری را دنبال کند. نوشتن برای ایران هیچ وقت به پایان نمی‌رسد.

بنویسیم به احترام یک زندگی خسته که به رغم تمام مرارت‌ها و سختی‌هایش همچنان می‌خواهد باشد و زندگی کند. اما این نباید تبدیل به یک نوع خودشیفتگی ایرانی و دیدگاه نژادپرستانه و ایران‌پرستی بدل شود

امیدوارم روزی برسد که نوشتن‌مان برای ایران برای مسائل پیش پا افتاده و سطوح اولیه زندگی نباشد. برای ایران بنویسیم نه اینکه فقط با نوشتن بخواهیم بگوییم که مردم شغلی پیدا کنند. مردم گرسنه نمانند، مردم بازمانده از تحصیل نشوند. مردم از بیماری‌ها رنج نبرند، مردم محیط زیست‌شان سالم باشد. اینها چیزهایی است که امروز ما در نوشته‌هایمان درگیرشان هستیم و باید هم باشیم. اما یک دنیای توسعه یافته از این سطوح اولیه فراتر رفته است. متأسفانه ما هنوز درگیر این هستیم که بنویسیم تا مردم حقوق شهروندی داشته باشند. شاد باشند. آزادی و کرامت و حق و حقوق داشته باشند. اما این سقف یک جهان خوب نیست، امیدوارم روزی برسد که مردم ما مسئله‌شان مسکن، آزادی و به تعبیری، نان و ارزش‌های بقا نباشد بلکه بنویسیم که چگونه مردم شکوفا شوند. امیدوارم شما جوانان بنویسید که چگونه استعداد‌های متعالی انسانی در این سرزمین شکوفا شود. انسان‌ها اوج بگیرند بهترین ارزش‌های انسانی در این سرزمین ظهور کند. بنویسید برای اینکه در این سرزمین فرهنگ، معنا، معرفت و فضیلت و مدنیت، انسانیت، ارزش‌های بشری، فنون، دانش و اندیشه‌ها اوج بگیرند. بنویسیم برای توسعه نوآوری‌ها، بنویسیم برای توسعه فضیلت‌های بزرگ انسانی. بنویسیم برای سرزندگی هرچه بیشتر محیط زیست. نه اینکه بنویسیم درباره فرونشست زمین‌ها. نه اینکه بنویسیم از آلودگی آب‌ها، از مواد تراریخته، از کسانی که دربندند، از آنهایی که گرفتارند، بلکه بنویسیم برای انسانی‌های آزاد و با درآمد‌های کافی و با حقوق برابر که چه کنیم بیشتر شکوفا شوند و ارزش‌های بیشتری در خود پیدا کنند. تمدن ایرانی و فرهنگ ایرانی هر چه بیشتر در مقیاس ملی و منطقه‌ای و محلی برای آینده بشریت افق گشایی بکند در صلح جهانی سهم شود. در حفظ محیط زیست در مقیاس جهانی سهم شود. در ارتقای فرهنگ بشری سهم شود.

«ما» داستان می‌نویسیم «آنها» قصه می‌فروشند!

سایه ترجمه
بر سر تالیف
در حوزه کودک و نوجوان؛

در نمایشگاه کتاب، یک بحث داغ و بی‌پایان در محافل نویسندگان و ناشران کتاب کودک و نوجوان در جریان است: ترجمه یا تألیف؟ بازار کتاب کودک ایران به وضوح به ترجمه آثار جهانی توجه بیشتری نشان می‌دهد؛ چرا که مترجمان معمولاً به سراغ بهترین و محبوب‌ترین آثار دنیا می‌روند و آن‌ها را به زبان فارسی منتقل می‌کنند. اما نویسندگان داخلی در این رقابت نابرابر، باید از صفر شروع کنند و دنیای تازه‌ای برای کودکان خلق کنند؛ چالشی که به گفته بسیاری، راهی دشوار و پرسنگلاخ است. این رقابت تنها میان نویسندگان و مترجمان نیست؛ مخاطبان کتاب کودک و نوجوان هم ترجمه‌ها را به خاطر داستان پردازی پیچیده‌تر، شخصیت‌سازی جذاب‌تر و تصویرگری‌های خلاقانه‌تر ترجیح می‌دهند. با این حال، مترجمان نیز اعتقاد دارند که نویسندگان ایرانی هنوز نتوانسته‌اند به طور کامل با ذهن و نیازهای کودکان امروزی که در دنیای رسانه‌ها غرق هستند، ارتباط برقرار کنند. بنابراین، طبیعی است که کتاب‌های تألیفی کمتر مورد استقبال قرار بگیرند. در این میان، واقعیت این است که هر دو طرف در روایت بخشی از حقیقت حق دارند. انتخاب از میان بهترین و پرفروش‌ترین آثار جهانی، در برابر نویسندگانی که باید به طور مستقل داستان‌هایی تازه و بکر بسازند، به نظر می‌رسد رقابتی ناعادلانه باشد. از سوی دیگر، برخی نویسندگان داخلی نیز هنوز در زمینه‌هایی چون سبک‌های نوین روایت، شناخت دقیق نیازهای روانی کودکان امروز و استفاده از تکنیک‌های جدید داستان‌نویسی به اندازه کافی رشد نکرده‌اند.

خارج از ایران سفر می‌کنند هم با استقبال و موفقیت چندانی روبه‌رو نمی‌شوند، چرا که داستانی که مخاطب داخلی نداشته باشد، خواننده خارجی هم ندارد. اصلاً خارجی‌ها قرار است کدام نوجوان ایرانی را بشناسند؟ مگر نوجوان ایرانی آن دختر یا پسر است که در این کتاب‌ها توصیف شده است؟

نجف‌خانی یکی از رسالت‌های ترجمه در همه جای دنیا را الگوسازی می‌داند و می‌گوید: طبیعی است که فرهنگ‌های مختلف هم بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و از هم تأثیر می‌پذیرند و این، اتفاق بسیار خوشایندی است. چه اشکالی دارد نویسندگانی که معتقدند مترجم‌ها بهترین‌ها را انتخاب و ترجمه می‌کنند، از این بهترین‌ها الگوبرداری کنند؟

مترجم مجموعه «جودی دمدی» به این نکته اشاره می‌کند که مترجمان در کارهای خود به مسائل روز و دغدغه‌های جهانی توجه می‌کنند. او بیان می‌کند: ما در برگردان‌ها مان دست به انتخاب‌هایی می‌زنیم که تنها به فرهنگ و آداب و رسوم یک کشور خاص تعلق ندارند؛ بلکه به یک دغدغه جهانی پرداخته‌اند.

داستان‌ها و رمان‌های تألیفی ما مخاطب ندارند، چون نمی‌توانند با مخاطب امروز ارتباط برقرار کنند و ذهن، زبان، نیاز و خواسته‌اش را نمی‌شناسند. به همین دلیل کودکان و نوجوانان هم با این آثار همذات‌پنداری نمی‌کنند. هنوز بعضی نویسندگان ما در آثارشان، کودکی و نوجوانی خود را تصویر می‌کنند و از زندگی روستایی می‌نویسند.

نجف‌خانی به این که کتاب خوب، راه خودش را پیدا می‌کند و بچه‌ها آن را می‌خوانند، اشاره و بیان می‌کند: بسیاری از نویسندگان به جدال نابرابر میان تألیف و ترجمه اشاره کرده و به اشتباه تصور می‌کنند عدم توجه به آثارشان صرفاً به دلیل انتخاب بهترین کارها توسط مترجمان و تمایل بیشتر ناشران به کتاب‌های ترجمه است. در صورتی که این‌طور نیست و کتاب خوب راه خود را پیدا می‌کند.

مترجم مجموعه داستان‌های «دل‌تورا» معتقد است: بعضی نویسندگان ما در برابر هر تغییری مقاومت می‌کنند و حاضر نیستند خود را به‌روز کنند. حتی آثار ایرانی که به زبان‌های دیگر ترجمه می‌شوند و به



کتاب خوب، راه خود را پیدا می‌کند

محبوبه نجف‌خانی، مترجم مجموعه آثار رولد دال، «نامه‌های فلیکس» معتقد است، ترجمه کتاب‌های خوب موجب ایجاد سبک‌های تازه در ادبیات، رشد و بالندگی آن می‌شود؛ به همین دلیل، هیچ‌کدام از کشورهای اروپایی مثل فرانسه، اسپانیا، ایتالیا، آلمان، سوئد و نروژ که زبانی به جز انگلیسی دارند، درهای خود را به روی ترجمه نبسته‌اند و باور دارند که ترجمه به غنای فرهنگ و ادبیات‌شان کمک می‌کند. بنابراین، ما هم باید درها را روی ترجمه نبندیم و آثار برگزیده و پرمخاطب را انتخاب و به فارسی ترجمه کنیم. به گفته مترجم «پسرخاله وودو» بسیاری از





کتاب‌سازی، تهدیدی جدی برای نشر ایران است

نیلوفر تیموریان، مدیر انتشارات «ایران‌بان» بر این باور است که آنچه امروز در بازار نشر کودک و نوجوان ایران به چشم می‌خورد، نه ترجمه درست است و نه تألیف واقعی؛ بلکه بیش از هر چیز، شاهد «کتاب‌سازی» هستیم. به گفته این ناشر نوجوان، بیشتر ناشران در ایران به جای خلق یا ترجمه دقیق، از روی دست یکدیگر کپی می‌کنند. کافی است کتابی ترجمه و با استقبال مواجه شود؛ بلافاصله ترجمه‌های متعددی از همان اثر، تنها با کمی جابه‌جایی جملات یا کلمات، روانه بازار می‌شود. او ادامه می‌دهد: «در سال‌های اخیر، درآمد ناشران کشور به‌طور چشمگیری کاهش یافته است. خانواده‌ها کمتر کتاب می‌خرند و هزینه‌های کاغذ، چاپ و پخش سر به فلک کشیده است. در چنین شرایطی، بسیاری از ناشران ترجیح می‌دهند آثار ترجمه‌ای و پرفروش بین‌المللی را - آن هم اغلب بدون رعایت کپی‌رایت - منتشر کنند تا سرمایه‌شان به خطر نیفتد.» مدیر انتشارات «ایران‌بان» درباره اهمیت احترام به حقوق معنوی و مالکیت ادبی می‌گوید: «تا زمانی که بازار نشر ایران فاقد قانون اجرایی حقوق کپی‌رایت باشد و رعایت تألیف و ترجمه اصولی در دستور کار ناشران قرار نگیرد، نمی‌توانیم رشد جدی برای ادبیات کودک و نوجوان متصور شویم. برای پیشرفت واقعی باید هم نویسنده و هم ناشر، تلاش کنند تا مخاطب ایرانی نسبت به فرهنگ خود احساس غرور کند و کتاب‌های تألیفی را هم‌سنگ آثار جهانی در نظر بگیرد.»

برقرار کنند. مخاطب، داستان و اندیشه‌ای را دوست دارد که حرفی تازه برای گفتن داشته باشد؛ چیزی بیش از آنچه خودش می‌داند.

نویسنده «کنسرو غول» به این موضوع اشاره می‌کند که برخی از نویسندگان ما همچنان درگیر دوران کودکی خود و زندگی روستایی و خاطره‌نویسی از پخت نان و کلوچه‌های مادر بزرگشان هستند. در این میان، نویسندگانی دیگری هستند که بومی‌نویسی را با کهنه‌نویسی یکی می‌دانند؛ در حالی که اگر قصه‌های کلاسیک، لباس تازه بر تن نپوشند و از شیوه‌های روایی جذاب بهره نبرند، نه تنها برای بچه‌ها هیچ جذابیتی ندارند، بلکه برای بزرگ‌ترها هم خوشایند نیستند.

نویسنده «پسر قیانوس» نه تنها مخالف ترجمه نیست، بلکه معتقد است: «فرم و ساختار و شناخت روحیات کودک و نوجوان به عنوان مخاطبی که درک و شعور دارد - نه مخاطبی که منفعل باشد و اراده و اختیاری از خود نداشته و باید او را تربیت کرد. همه به‌خاطر ادبیات ترجمه است. اگر برخی نویسندگان ما سال‌هاست به این نتیجه رسیده‌اند که بهتر است پند و اندرز ندهند و به اصل لذت توجه کنند، همه این‌ها از آثار ترجمه‌شده ناشی شده است که در این سال‌ها به فارسی برگردانده شده‌اند و با استقبال مخاطب روبه‌رو شده‌اند.»

رجبی به نقش ترجمه در ادبیات کودک ایران در سال‌های اخیر اشاره می‌کند و بیان می‌کند: «اگر امروز نویسندگان جدید آمده‌اند، نویسندگانی که نگاه شعارزده نویسندگان دهه‌های قبل را ندارند و نمی‌خواهند اندرز بدهند و برای بچه‌ها خط مشی تعیین کنند، همه این‌ها حاصل آشنایی با ادبیات جهان است.»

به گفته نجف‌خانی، درست است که ترجمه، افق گسترده‌تری را روی نوجوانان باز می‌کند، اما هیچ‌کدام از این حرف‌ها به این معنا نیست که هیچ اثر قابل توجهی در زمینه تألیف وجود ندارد. هستند نویسندگان کودک و نوجوانی که هم مخاطب خود و هم معیارهای جهانی را می‌شناسند، اما تعدادشان انگشت‌شمار است و به چشم نمی‌آید. راستش را بخواهید من هم دلم می‌خواهد از تألیف حمایت شود و ناشران، از آثار تألیفی بیش از این استقبال کنند. اما دلخواه من جدای از واقعیت موجود است و واقعیت این است که نوجوان ایرانی با کتاب‌های تألیفی، ارتباط چندانی برقرار نمی‌کند و گزینه چه چیز بهتر از این که آثار تألیفی قوی نوشته شود و بچه‌ها با آداب و رسوم و فرهنگ خود آشنا شوند.



نویسندگان ما همچنان کودکی خود را روایت می‌کنند

مهدی رجبی، نویسنده کودک و نوجوان، اعتقاد دارد نویسندگان ایرانی زمانی می‌توانند توجه مخاطب را به خود معطوف کنند که به‌روز باشند و ذهن و زبان کودک و نوجوان امروز را بشناسند تا بتوانند محتوایی خواندنی و جذاب برایشان تولید کنند. اما این شناخت به تنهایی کافی نیست؛ بلکه ضرورت دارد نویسنده‌ها، جلوتر از مخاطب خود بایستند و از دریچه‌ای عمیق‌تر و گسترده‌تر به جهان نگاه کنند، وگرنه نمی‌توانند با نسلی که با اینترنت سروکار دارد، رسانه‌ها را دنبال می‌کند و انگلیسی هم می‌داند، ارتباط

کتاب و عصر اطلاعات

بازاندیشی در نسبت ما با مطالعه



روح اله اسلامی

عضو گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

آثاری کم‌مایه اما پرزرق و برق - نمی‌توانند دوام بیاورند. این کتاب‌های زرد، با تکیه بر احساسات زودگذر و نیازهای سطحی، بیشترین تیراژ را دارند؛ اما در بلندمدت، اثر ژرفی در فهم و فرهنگ عمومی جامعه نمی‌گذارند. در مقابل، آثار علمی، دقیق و پرمحتوا، با تیراژی اندک، در محاق خاموشی قرار دارند.

چه باید کرد؟ این پرسش بنیادین مستلزم بازنگری جدی در رابطه ما با کتاب و فرایند مطالعه است. نخست باید هر فرد حوزه تخصصی خود را بشناسد؛ کسی که نمی‌داند چه می‌خواهد، محکوم به پراکنده‌خوانی و آشفتگی ذهنی است. در گام بعد، باید ناشرانی را گزینش کرد که در همان حوزه تخصصی فعالیت دارند و کتاب‌هایی متناسب با نیاز فکری ما منتشر می‌کنند. همچنین، شناخت مکاتب فکری، نویسندگان تأثیرگذار، و نیز منتقدان و مخالفان، شرط لازم رشد فکری است. کتاب‌خوانی نباید صرفاً تأییدگر باورهای ما باشد، بلکه باید چالش برانگیز، نقادانه و بسط‌دهنده افق فکری ما باشد.

یکی از آفات مهم در روزگار ما، آرشپو کردن کتاب‌ها و فایل‌های PDF بدون خواندن واقعی آن‌هاست. انباشت داده‌های دیجیتال جایگزین دانش نمی‌شود. مطالعه باید تجربه‌ای جسمی، ذهنی و عاطفی باشد؛ از این‌رو خواندن

کتاب کاغذی، با تمرکز و حوصله، ضرورتی انکارناپذیر است. کتاب کاغذی نه تنها چشم و ذهن را کمتر خسته می‌کند، بلکه رابطه عمیق‌تری با حافظه و تفکر ایجاد می‌نماید.

در شرایط کنونی، مطالعه کتاب‌هایی با موضوع ایران، اهمیت دوچندان دارد. ما بدون درک جغرافیا، تاریخ، فرهنگ، و هنر سرزمین خود، نمی‌توانیم جایگاه جهانی‌مان را درک کنیم. آگاهی ملی از طریق مطالعه هدفمند تقویت می‌شود. از این‌رو، والدین باید خود و فرزندان‌شان را با کتاب آشتی دهند؛ کتاب را نه به مثابه وظیفه‌ای درسی، بلکه همچون نیازی حیاتی و انسانی ببینند. تربیت نسلی اهل مطالعه، نیازمند الگوهای خانوادگی و اجتماعی است که مطالعه را ارزش تلقی کنند.

در نهایت، کتاب چیزی فراتر از یک رسانه است؛ کتاب منبع آرامش، سازنده دایره واژگان، و ژرفاکننده اندیشه است. جامعه‌ای که وقت برای مطالعه نمی‌گذارد، به‌زودی گرفتار سطحی‌نگری، انباشت بی‌نظم اطلاعات و بی‌هویتی فرهنگی می‌شود. پس وقت بگذاریم، با وسواس انتخاب کنیم، و از پراکنده‌خوانی پرهیز کنیم؛ چراکه در دل واژگان کتاب‌ها، جهان‌های نو برای زیستن در زمانه‌ای پیچیده شکل می‌گیرد.

در عصر اطلاعات، که با فوران داده‌ها، رسانه‌های مجازی و فناوری‌های نوین همراه است، جایگاه کتاب به‌ظاهر کم‌رنگ شده اما از نظر علمی، فرهنگی و فلسفی، اهمیت آن بیش از پیش از پیش شده است. در این گذار جدید که مشخصه‌اش زایش یک نسل تازه با الگوهای متفاوت مصرف دانش و معناست، کتاب همچنان مهم‌ترین رسانه فرهیختگی باقی مانده است. ما با پدیده‌ای مواجهیم که از یک سو کتاب‌های فراوانی تولید می‌شوند و از سوی دیگر تیراژ کتاب‌ها در پایین‌ترین سطح ممکن است. این وضعیت تناقض‌آمیز نشانه‌ای است از بحران معنا، نظام‌مند نبودن تولید فرهنگی و فقدان راهبردهای خوانش مؤثر در جامعه. در شرایط کنونی، کتاب‌ها زیاده‌اند اما خوانندگان اندک و آن‌گاه که نویسندگان تقریباً به عدد خوانندگان شده‌اند، باید به خود هشدار دهیم. بازار نشر به شدت پراکنده شده است؛ ناشران متعدد، گاه بی‌سیاست و بدون هدف تخصصی، آثاری منتشر می‌کنند که در رقابت با «کتاب‌های زرد»





سفر به آینده کتاب

سالنی که
تکنولوژی و فرهنگ را
به هم پیوند می‌زند

نسخه‌های فیزیکی نیز حضور دارند؛ چراکه هدف، حذف سنت نیست، بلکه افزودن امکاناتی تازه بر قامت دیرینه کتاب است. «سالن فناوری‌های نشر»، تلاشی است برای پیوند گذشته و آینده؛ جایی که کتاب، همچنان سرمایه ملی ماست، اما در جامه‌ای تازه چراکه تحول دیجیتال، دیگر انتخاب نیست؛ ضرورتی ست گریزناپذیر. آن هم برای کشوری با فرهنگی غنی و گنجینه‌ای از متون خطی و ادبی. بنابراین سالن فناوری‌های نشر، فقط غرفه‌ای در دل نمایشگاه نیست، بلکه چشم‌اندازی ست به آینده‌ای که نشر و کتاب‌خوانی قرار است در آن شکل تازه‌ای بگیرند. دنیایی که در آن دسترسی جهانی به کتاب‌های ایرانی، حذف مرزهای انتشار و تجربه‌های متفاوت خواندن، دیگر خیال نیست؛ واقعیتی ست که دارد از دل همین سالن و همین روزها، جوانه می‌زند.

در زمانی که نسل جدید با انگشتانش روی صفحه موبایل ورق می‌زند، این سالن تلاشی ست برای آن‌که همچنان کتاب، چراغ راه بماند؛ حتی اگر شکلش دیگر مثل قبل نباشد.

دل این فضای نو، ایده‌های تازه‌ای برای نشر و مطالعه کشف کنند.

یکی از جذاب‌ترین بخش‌های سالن، تجربه‌ای است که با کمک هوش مصنوعی مصنوعی ساخته شده. کافی است چند سؤال ساده پاسخ بدهی، و بعد سامانه‌ای هوشمند با بررسی داده‌های بزرگ خانه کتاب، پیشنهادهایی کاملاً شخصی‌سازی‌شده برایت ردیف می‌کند. شبیه گفت‌وگو با کتاب‌فروشی که تو را خوب می‌شناسد!

اما این همه ماجرا نیست. در همین سالن، «کارنامه نشر الکترونیک» هم رونمایی شده؛ گزارشی جامع از آنچه در یک سال گذشته در دنیای نشر کتاب فارسی گذشته است. این بار اما نه فقط روی کاغذ، بلکه در بستری دیجیتال و در دسترس برای همه؛ در سایت WWW.VEKA.IR. این بستر جدید، مروری دقیق و به‌روز از وضعیت نشر فراهم کرده و به ناشران، نویسندگان و علاقه‌مندان کمک می‌کند تا با دیدی روشن‌تر به این حوزه نگاه کنند.

نکته جالب این جاست که در کنار کتاب‌های دیجیتال،

در میان راهروهای شلوغ و پرهیاهوی نمایشگاه کتاب تهران، جایی هست که حال و هوایش با بقیه غرفه‌ها فرق دارد. به جای پیشخوان‌های کتاب و غرفه‌هایی پر از جلد‌های رنگارنگ، با نمایشگرها، سامانه‌های هوشمند، صداهایی از کتاب‌های گویا و گفت‌وگوهایی درباره آینده مواجه می‌شوی. اینجا، «سالن فناوری‌های نشر» است؛ نقطه تلاقی سنت دیرینه کتاب‌خوانی با نوآوری‌های قرن بیست و یکم.

ایده‌ی این سالن، تلفیقی است از یک دغدغه فرهنگی و یک نگاه توسعه‌محور. جایی که خانه کتاب و ادبیات ایران و پارک ملی علوم و فناوری‌های نرم و صنایع فرهنگی، تلاش کرده‌اند دنیای نشر را وارد فصلی تازه کنند؛ فصلی که در آن کتاب، تنها روی کاغذ متولد نمی‌شود، بلکه از دل کدها، اپلیکیشن‌ها، پادکست‌ها و صداها خلق می‌شود. این سالن با حضور ۱۳ شرکت دانش‌بنیان و خلاق شکل گرفته؛ هرکدام آمده‌اند تا چشم‌اندازی تازه به کتاب و تجربه خواندن بدهند. بازدیدکنندگان این فرصت را دارند که نه تنها محصولات فناورانه را از نزدیک ببینند، بلکه در



خواننده‌ای که نیست مترجمی که باید باشد!

چه عواملی
کتاب‌سازی و کتاب‌خوانی را
در ایران شکل می‌دهند؟



ایام نمایشگاه کتاب، فرصتی برای دیده شدن کتاب و گفت‌وگو با کسانی است که عمر خود را صرف خواندن، ترجمه کردن و اندیشیدن به ادبیات کرده‌اند. کاوه میرعباسی، مترجم پرکار و دغدغه‌مند حوزه ادبیات داستانی، از نسلی ست که کتاب را هنوز از چشم خواننده جدی می‌بیند. در این گفت‌وگو او به حلقه‌های به هم پیوسته‌ای اشاره می‌کند که زنجیره کتاب‌خوانی و کتاب‌سازی را در ایران شکل داده یا از هم گسیخته‌اند. از آموزش ناکارآمد ادبیات در مدرسه گرفته تا بحران اقتصادی نشر و بی‌اعتنایی به ترجمه‌های حرفه‌ای؛ همه‌ی این‌ها در کنار هم تصویری از حال و روز کتاب در ایران امروز ترسیم می‌کند.

پیچیده‌ای وجود دارد. به عنوان مثال، ناشرانی هستند که می‌خواهند درصد پایین به مترجم بدهند یا اصلاً امتیاز کتاب را بخزند، در نتیجه به چاپ آثار نازل و بی‌کیفیت روی می‌آورند، گرچه برخی از آنها از این مسیر پولدار هم شده‌اند. اگر این کتاب‌ها، آثار ارزنده ادبی نباشند، خللی ایجاد نمی‌کنند، مشکل از جایی شروع می‌شود که این گروه از ناشران به سراغ کتاب‌های فاخر ادبی می‌روند و کار به مترجمی سپرده می‌شود که نمی‌تواند حق مطلب را درباره آن کتاب ادا کند. این موضوع باعث می‌شود تا هم به ادبیات لطمه بزرگی وارد شود و هم مخاطب به خود بگوید: فلان نویسنده که این قدر ازان تعریف می‌کردند این بود! درحالی که یک مترجم کارنابلد باعث شده تا مخاطب، چنین تصویری از یک کتاب ارزشمند در ذهنش شکل بگیرد. از سوی دیگر برخی از مخاطبان هم در انتخاب کتاب اسیر تبلیغات می‌شوند و از سر ناآگاهی کتاب می‌خرند. متأسفانه امروز ما خواننده آگاه و حرفه‌ای کتابخوان هم کم داریم.

چطور می‌توان در عین وفاداری به متن، به گونه‌ای عمل کرد که زبان فارسی هم به درستی به خواننده انتقال داده شود؟

وقتی می‌گویم مترجم اهل؛ منظورم دقیقاً همین است؛ یعنی مترجمی که علاوه بر تسلط به زبان مبدا، به زبان مقصد هم اشراف داشته باشد. وقتی مترجم، یک متن را می‌خواند، باید مفهوم آن را دریابد. همچنین باید به سبک و معنا پایبندی داشته باشد و تشخیص دهد که نشر نویسنده عامیانه است یا فاخر، امروزی است یا قدیمی. وقتی هر کدام از این نکات را درک کرد، آن وقت یک جایگزین برای زبان مقصد می‌سازد. به همین دلیل ترجمه‌های ادبی همیشه از ترجمه‌های فنی متمایز بوده‌اند. چرا که ترجمه ادبی به جز دانستن زبان، قریحه ادبی هم می‌خواهد و مترجم باید از درک و شعور ادبی هم برخوردار باشد. البته در این باره جسارت هم از سوی مترجم لازم است، به شرط آن که به تهور کشیده نشود.

مسئله درباره تمام ناشران صدق نمی‌کند، به‌ویژه درسال‌های اخیر که بیش از پیش با پدیده کتاب‌سازی روبه‌رو هستیم و برخی از ناشران، کتاب‌هایی را به شکل سردستی و با ترجمه‌های ناقص و بی‌کیفیت منتشر می‌کنند. انتشارچنین کتاب‌هایی در بازار، نه تنها ذهنیت خواننده را نسبت به کتاب خراب می‌کند که اگر تا آن زمان علاقه‌ای به مطالعه داشت، سرخورده می‌شود. به همین دلیل، عوامل کاهش کتابخوانی، به حلقه‌های زنجیر شباهت دارند که به یکدیگر متصل هستند و عمده مشکلات حوزه نشر هم ریشه در وضعیت اقتصادی دارد. وقتی کاغذ گران است، ناشر هم مقصر نیست و نمی‌تواند کتاب را با ضرر چاپ کند.

درسال در ایام نمایشگاه کتاب، با اظهارنظرهایی از سوی کارشناسان مواجه می‌شویم که معتقدند، وزنه کتاب‌های ترجمه بر آثار تالیفی سنگینی می‌کند، این درحالی است که به نظر می‌رسد درسال‌های اخیر، کتاب‌های ترجمه هم با نوعی رکود و افت کیفی مواجه شدند و به آن شکلی که باید نمی‌توانند نظر مخاطب را به خود جلب کنند. نظر شما در این باره چیست؟

همین‌طور است! برخلاف نویسندگان که ۹۰ درصدشان تفتنی می‌نویسند و به اصطلاح «نویسنده روز تعطیلند»، اغلب مترجمان به شکل حرفه‌ای در این حوزه فعالیت می‌کنند و اصلاً زندگی‌شان از رهگذر این حرفه می‌گذرد. بنابراین، تعداد مترجمان حرفه‌ای از نویسندگان حرفه‌ای بیشتر است. ولی باین حال، در حوزه ترجمه هم مسائل

قیمت کتاب درسال‌های اخیر به شکل سرسام‌آوری افزایش پیدا کرده، هرچند این مشکلات فقط متوجه مخاطب نیست و گریبان ناشران، به‌ویژه ناشران بزرگ را هم گرفته است

در آغاز گفت‌وگو، چطور می‌توان کتاب‌خوانی را با فرهنگ و هویت ملی همگام و منطبق کرد؟

آنچه اشاره می‌کنید، مبحث کلی است و عناصر به هم پیوسته‌ای در شکل‌گیری آن تأثیرگذارند. نخست این‌که عادت به کتاب‌خوانی باید در افراد شکل بگیرد، این مسئله نیاز به فرهنگ‌سازی دارد. البته من در جریان برنامه‌های درسی امروز نیستم، ولی در گذشته ادبیات فارسی به شکل ملال‌آوری آموزش داده می‌شد و بیشتر درباره ادبیات کلاسیک بود تا ادبیات معاصر. طبعاً آثار کلاسیک با آن شیوه تدریس قدیم، جذابیت نداشت. امروز علاقه به مطالعه در ابتدا از سر کنجکاوی شکل می‌گیرد و این مضامین کتاب‌ها هستند که کنجکاوی افراد را نسبت به مطالعه تحریک می‌کنند. پس، ایجاد علاقه به کتابخوانی در افراد اصل مهمی به شمار می‌رود. البته امروز پارامترهای مختلفی در کم‌رنگ شدن کتابخوانی دخیل هستند. گذشته از نبود فرهنگ‌سازی در این زمینه، عوامل اقتصادی هم مزید بر علت شده‌اند تا افراد جامعه از کتاب‌خواندن فاصله بگیرند.

برخی از اهالی فرهنگ به این مسئله اشاره دارند که امروز دیگر کتاب جزو نیازهای اولیه به شمار نمی‌رود.

بله؛ حتی شاید جزو نیازهای ثانویه هم نباشد و در جایگاه سوم و چهارم قرار بگیرد. اغلب مردم، در شرایط فعلی درگیر دغدغه معاش هستند و طبیعی است که وقت مطالعه نداشته باشند. از سوی دیگر قیمت کتاب درسال‌های اخیر به شکل سرسام‌آوری افزایش پیدا کرده، هرچند این مشکلات فقط متوجه مخاطب نیست و گریبان ناشران، به‌ویژه ناشران بزرگ را هم گرفته است. این مشکلات، تعادل عرضه و تقاضا را به هم زده است، به‌طوری که با کاهش تقاضا، عرضه کتاب دستخوش تغییرات زیادی شده است و چرخه کتاب و کتابخوانی به دلیل مشکلاتی که به اجمال به آنها اشاره کردم معیوب است. درعین حال باید توجه داشته باشیم که ناشر به‌هرصورت، یک تولیدکننده و سرمایه‌گذار به شمار می‌رود و هدفش از انجام کار فرهنگی، سودآوری نیز هست. اگرچه این

طنین دوباره صدای چاپ در نمایشگاه کتاب

گشتی در
سرای هنر صنعت چاپ؛



سی و هشتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران امسال میزبان فعالان صنعت چاپ است، به حیاط پشتی مصلا که می‌روی، در انتهای رواق غربی، به سرای هنر صنعت چاپ می‌رسی. به آنجا که وارد می‌شوی بوی کاغذ و مرکب تو را به خیابان ظهیرالسلام یا جایی حوالی ناصر خسرو می‌برد؛ آنجا که تکه‌های باقیمانده از صنعت چاپ میان کوهی از ساختمان‌های جدید و نوساز جا پابرجا مانده‌اند. اینجا هم بوی کاغذ تا نخورده با بوی تینر و الکل در هم آمیخته می‌شود و فرایند تولید کتاب به شکل دیجیتال و امروزی کلید می‌خورد. اینجا می‌توانی چشم‌هایت را ببندی و خودت را در چاپخانه‌ای وسط میدان بهارستان تصور کنی؛ چاپخانه‌ای کوچک میان کوهی از بندهای کاغذ و گالن‌های مرکب. می‌توانی رد پای دستگاه‌های قدیمی چاپ دستی را روی کتاب‌ها احساس کنی و بوی چسب همه مشامت را پر کند. اگرچه این روزها نفس چاپخانه‌های قدیمی به شماره افتاده است، اما چاپخانه‌ها هنوز هم برای حیاتشان تلاش می‌کنند، هنوز هم از پیچ و خم نوسانات نرخ ارز عبور می‌کنند و برای رسیدن به نور قد می‌کشند.

● طلایه‌داران فرهنگ و هنر و اقتصاد

اینجا سرای هنر صنعت چاپ است، جایی که در آن فرایند تولید کتاب توسط دستگاه‌های چاپ دیجیتال به صورت زنده به نمایش گذاشته شده است، خط کامل تولید کتاب از مرحله طراحی تا تولید کتاب به شیوه چاپ دیجیتال در این بخش به نمایش گذاشته شده است، در کنار آن دستگاه صحافی چسب گرم هم قرار داده شده و روند صحافی با کوچکترین جزئیات قرار دارد. کمی آن‌سوتر هم دستگاه تاکتی چهار و نیم ورقی قرار دارد. اینجا عصاره سال‌ها کار کردن در چاپخانه با خاطرات ریز و درشت آدم‌هایی گره خورده است که دانه دانه موهای خود را پای دستگاه گارسه و ماشین ملخی سپید کرده‌اند، مردان و زنانی که ایام جوانی‌شان را به روزگار میان‌سالی و کهنسالی پیوند زده‌اند. غرفه آثار برگزیده چاپی اما مهمترین ویژگی این سرای ۲۰۰ متری است؛ بخش عمده آثار برگزیده‌ای که در جشنواره آثار چاپی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جایزه دریافت کرده‌اند؛ از انواع و اقسام پاکت مقوایی و درپوش‌های فلزی،

چاپ افست اشاره کرد و گفت: به دلیل محدودیت‌های مصلی امکان آوردن ماشین‌آلات افست به نمایشگاه نبود اما توانستیم دستگاه‌های چاپ دیجیتال و خط تولید کامل صحافی سنتی و صنعتی کتاب را در این سرا برای مخاطبان ارائه دهیم.

او هدف اصلی برپایی این سالن را آشنایی مخاطبان با ظرفیت‌های صنعت چاپ کشور دانست و تاکید کرد که افزوده شدن بخش دائمی «سرای هنر صنعت چاپ» در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، یک ضرورت است زیرا با توجه به اینکه هر سال مهمان‌های بین‌المللی مختلفی داریم، حضور در این رویداد می‌تواند به توسعه مرزهای فرهنگی و صنعتی در این حوزه کمک کند.

از سرای هنر صنعت چاپ که بیرون می‌زنم دلم برای صدای مداوم آن دستگاه‌های عظیم تنگ می‌شود، برای همه آن همه هنر صنعتی که این روزها گاهی کمتر دیده می‌شود، کمتر شناخته می‌شود و کمتر به آن پرداخته می‌شود، صنعتی به عنوان یک فرایند انبوه صنعتی بخش اساسی صنعت نشر و بسته‌بندی کشور را در بر می‌گیرد، نیازمند دیده شدن و حمایت است، حمایتی که می‌تواند به ایجاد نقدینگی و رونق کاری فعالان این صنعت کمک کند.



قوطی آلومینیومی، برچسب صنعتی و پوشش بسته‌بندی، کیسه پلاستیکی، پوشش بسته‌بندی boplat، کیسه پلاستیکی، درپوش فلزی و پاکت پلاستیکی.

در این سالن بخشی مجزا به توانمندی‌های صادراتی ایران اختصاص داده شده است، جایی که می‌توان با کمی گشت و گذار، هنر دست مردان و زنان این سرزمین را ستود و در برابر همت و تلاش تولیدگران ایرانی سر خم کرد، چاپخانه‌دارانی که طلایه دار توسعه فرهنگ هنر و اقتصاد هستند و با عبور از مرزهای زمینی، ارزآوری و افتخار را برای ایران به ارمغان آوردند.

امسال با توجه به حضور کشور عراق به عنوان کشور مهمان ویژه، به دلیل اشتراکات دینی و فرهنگی با این کشور، نمونه کالاهای صادرات به عراق و نمونه محصولات وارداتی از عراق با هدف تقویت روابط و تعاملات ایران و عراق در صنعت چاپ را به نمایش گذاشته شده است.

● توسعه مرزهای فرهنگی و صنعتی

عباس زارع، مدیرکل دفتر چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از نمایش محصولات ۱۳ چاپخانه صادرات محور به ما گفت و یادآور شد که علاوه بر این محصولات ۸ شرکت چاپی ما که طی یکسال گذشته صادرات خوبی به عراق داشتند، به نمایش گذاشتیم. همچنین هفت شرکت واردات قوطی‌های آلومینیومی داشتند که محصولات آن‌ها در نمایشگاه در معرض دید عموم قرار داده شده است.

به گفته وی، جمع صادرات ایران به عراق سه هزار و ۶۰۰ تن، بوده و فعالان تجاری ایران سال گذشته حدود یک هزار و ۷۰۰ تن واردات از عراق داشتند که عموماً در حوزه قوطی فلزی بوده است.

زارع به تلاش‌های نافرجام برای نمایش ماشین‌های





پاسخگوی بازدیدکنندگان اند و بسیاری از تازه‌ترین کتاب‌ها که در روزهای اول به نمایش گذاشته نشده بودند، حالا روی پیشخان‌ها نشست‌اند. صف‌های طولانی صندوق، پر شدن تدریجی کیف‌ها و سبدها از کتاب، و لبخند کسانی که بالاخره آن عنوان خاص را یافته‌اند، همه حکایت از حال خوش این روزها دارد. انگار نمایشگاه کتاب در این روزها به یک پاتوق بزرگ فرهنگی تبدیل شده؛ جایی برای گپ زدن، دیدن دوستان قدیمی و مهم‌تر از همه، یافتن کتاب‌هایی که قرار است تا مدت‌ها با ما بمانند. این شور و شوق، شاید بهترین یادآور این باشد که هنوز هم، کتاب در قلب مردم ایران جای محکمی دارد.

هر سال، نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران حال و هوای خاصی دارد؛ از ساعات اولیه صبح، خانواده‌ها، دانشجویان، معلمان، نویسندگان و کتاب‌دوستان از سراسر شهر و حتی دیگر شهرها، راهی مصلای تهران می‌شوند تا خود را به بزرگ‌ترین رویداد فرهنگی کشور برسانند.

صدای قدم‌ها، همه‌همه گفت‌وگوها، پرس‌وجوهای پرشور در غرفه‌ها و کیسه‌های پر از کتاب، همه نشانه‌هایی از یک شور جمعی برای مطالعه و دانستن است. نمایشگاه، در این دو روز، چهره‌ای زنده‌تر و پرنرژی‌تر از همیشه به خود می‌گیرد. سالن‌ها نظم بهتری یافته‌اند، غرفه‌داران با آمادگی بیشتر از روزهای نخست

